

[اطلاعات شخصی افراد حذف شده است]

[آرم]

شیر و خورشید

وزارت دارایی؛ شماره: ۱۴۸؛ تاریخ: ۲۳/۷/۲۷؛ رونوشت نامه؛ محرمانه، مستقیم

اداره بازرسی کل دارایی

در اجرای ماده ۷ دستور شماره ۲۱۳۰۲/۱۹ - ۲۳/۷/۱۰ موضوع بلوای شاهرود، اینک نتیجه رسیدگی را به شرح زیر، ضمن اعاده عین پرونده مربوطه به استحضار می‌رساند.

(۱) در سال ۱۳۲۲ چند نفر از بهائی‌های سنگسر در بخش میامی (تابعه شاهرود) ظاهراً به نام چوبدار تجمع و در باطن به تبلیغات اشتغال می‌ورزند. چنان‌که در اثر شدت تظاهر در همان موقع اهالی به بخشداری و ژاندارمری محل شکایت و اخراج آنها را خواستار و متعاقباً هم هنگام تشریف‌فرمایی موکب اعلی‌حضرت همایونی به خراسان عریضه [ای] به پیشگاه مبارک دایر به استدعای اخراج بهائی‌های مورد سخن تقدیم و نتیجتاً وسیله بخشداری و ژاندارمری محل مزبور از میامی اخراج می‌گردند.

(۲) پس از آن اداره شهربانی شاهرود در تاریخ ۲۲/۱۰/۲۶ طی شماره ۶۷۶۳ به اداره فرمانداری اطلاع می‌دهد که چند روز است جمعیتی به نام بهائی‌ها در شاهرود تشکیل و شب‌ها در منازل آقایان نادری رییس دختانیات و رهبانی کارمند خواربار، جلساتی دایر و صاحبان منازل با خانم‌های خود مشغول تبلیغات مذهب بهاء هستند. فرماندار وقت بلافاصله موضوع را به وزارت کشور گزارش و به منظور مآل‌اندیشی و تذکر اوضاع و احوال و موقعیت محل تقاضا می‌کند که دو نفر مبلغین مذکور را از طریق وزارت متبوعه به مرکز احضار نمایند تا موجبات تسکین اهالی فراهم و از پیش‌آمادات جلوگیری شوند.

اداره شهربانی مجدداً در تاریخ ۲۳/۵/۴ به اداره فرمانداری اطلاع می‌دهد که جمعیت موصوف به اتکاء و تقویت مأمورین دولت مقیم شاهرود، مخصوصاً آقایان نادری و رهبانی، انجمن‌های تبلیغاتی خود را مرتباً تشکیل و خارج از انتظار مشغول فعالیت می‌باشند که این اقدام آنها موجب تجری اهالی شده است. در همان موقع هم اهالی تلگرافاتی به مجلس شورای ملی، نخست‌وزیری، وزارت کشور، وزارت فرهنگ، وزارت راه، روزنامه آیین اسلام، فرمانداری و شهربانی شاهرود مخابره و از آقایان نادری و رهبانی و چند نفر دیگر از کارمندان دولت که مشغول تبلیغات بودند، شکایت و حدوث انقلاب را در آن تلگراف پیش‌بینی می‌نمایند. بر اثر وصول تلگراف مزبور، فرماندار وقت برای جلوگیری از فتنه و فساد در تاریخ ۲۳/۵/۸ شورای اداری شهرستان را تشکیل و پس از تبادل مذاکرات زیاد مقرر می‌شود که به واسطه نزدیکی نیمه شعبان اشخاص زیر:

۱ - آقای اسدالله نادری رییس دختانیات.

۲ - آقای قباد متصدی امور مالی راه‌آهن.

۳ - آقای شیدانی متصدی حسابداری اداره راه.

۴ - آقای جهازی [حجازی؟] سرپرست انبار کالای ایستگاه.

۵ - آقای رهبانی متصدی خرید غله و کارمند خواروبار.

۶ - آقای خورشیدی کارمند فرهنگ.

۷- آقای آقازاده کارمند فرهنگ.

تا حصول نتیجه گزارش تقدیمی به وزارت کشور موقتاً به عنوان مأموریت از شهر خارج شوند (این تصمیم شورای شهرستان به لحاظ رعایت شؤون ادارات و حفظ حیثیت کارمندان دولت در صورت مجلس تنظیمی ذکر نشده) کما این که رؤسای ادارات وابسته به کارمندان موصوف اقدامات لازم را در اجرای تصویب شورا معمول داشتند. ولی چون آقای نادری در شورا حضور نداشته، اداره فرمانداری طی شماره ۱۰۲ - ۲۳/۵/۱۰ و ۱۰۵ - ۲۳/۵/۱۱ به او ابلاغ می کند که چند روزی به عنوان سرکشی به شعبات دختانیات تابعه از شهر خارج شود و مشارالیه از اجرای پیشنهاد مزبور خودداری می کند. آقای احتشامی فرماندار وقت و فعلی هم به رعایت مقتضیات و مصلحت ناگزیر طی شماره ۱۰۶ - ۱۳۲۳/۵/۱۲ از اداره شهربانی تقاضا نمود که لزوم خروج موقتی از شاهرود را به آقای نادری اعلام و او را وادار به اجرای تصمیم شورا نماید که پس از مذاکره شهربانی با آقای نادری قرار می شود شخصاً آقای فرماندار را ملاقات کند. نتیجه حاصله از ملاقات این شده که بعد از یک رشته مذاکرات مفصل و اعلام عصبانیت و هیجان عمومی از طرف آقای احتشامی فرماندار، بالاخره مشارالیه قانع شده و وعده می دهد جانشین موقتی خود را انتخاب و از شهر خارج گردد و با این که وی طبق حکم شماره ۷۸۸ - ۲۳/۵/۱۲ آقای دزیانی کارمند دختانیات را قائم مقام خود تعیین و مراتب را هم به فرمانداری اطلاع می دهد، مع الوصف از شهر خارج نشده و در منزل خود پنهان می گردد تا موقعی که اهالی شروع به بلوا نموده و منجر به قتل سه نفر (دو نفر بهائی به نام جذبانی و مهاجر انارکی و یک نفر غیر بهائی شیرینی فروش) می شود، سپس بلوا کنندگان به منزل آقای نادری هجوم و متأسفانه او را هم در مطبخ توی تنور مقتول می سازند که اکنون قضیه در دادرسی شاهرود تحت پیگرد است.

پیدایش بلوا هم این بوده که شب سوم ماه شعبان (تولد حضرت سیدالشهداء) که اصناف و بازاریها مطابق مرسوم دیرین مبادرت به چراغانی نموده بودند، مصادف با صدمین سال طلوع بهاء می شود که بهائیها هم علناً اقدام به جشن نموده و به واسطه ادامه تظاهرات طرفین، در همان شب درب یکی از محافل بهائیها طعمه حریق و به طوری که شایع است، روز بعد هم طفلی در بازار جلوی دکان یک نفر از بهائیها کلماتی در اهانت از بهاء ادا می کند که طرف مخاطب هم طفل مزبور را کتک می زند و قناد همسایه اش هم به حمایت آن طفل با شخص مزبور گلاویز و در اثر مداخله چند نفر بهائی و ایراد ضربه های چندی که بعداً منجر به فوت قناد مزبور می شود، موجبات تحریک و هیجان عمومی را فراهم می نماید که بالنتیجه موجب پیدایش بلوا می گردد. در خاتمه ناگفته نماند که آقای نادری دو سال قبل هم که در دختانیات شاهرود بود، تبلیغات و تظاهراتی می نموده، منتها شهربانی محل (چون در آن موقع شاهرود بخش بوده و فرمانداری نداشته) هم پس از یک رشته اقدامات مجذانه موجبات انتقال او را به مرکز فراهم و بدین ترتیب از وقوع حوادث غیر مترقبه جلوگیری می شود.

رییس هیأت بازرسی، زرین خامه، محلّ امضاء زرین خامه

رونوشت با ریشه برابر است. [امضاء]

[متن بالا رونویسی از اصل سند است. اگر به نکته ای برخورد کردید که دقیق رونویسی نشده است لطفاً به نشانی ایمیل در صفحه تماس با ما بفرستید]